

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزانه خراسان

شنبه ۱۰ بهمن ۱۳۹۴

۱۹ ربیع الثانی ۱۴۳۷ - ۳۰ ژانویه ۲۰۱۶

۴۰۲

سریالی جذاب و آموزنده که همه اعضای خانواده از آن لذت خواهند برد

خانه ای کوچک، با درس هایی بزرگ

صابر – سریال های تلویزیونی به این دلیل که می توانند محتوای مورد نظرشان را در تکاپوی درام و کنش های پر کشش شخصیت ها به مخاطب عرضه کنند، همزمان هم می توانند سرگرم کنند هم به مخاطب کمک کنند هنگام همذات پنداری با شخصیت های خوب و بد و خاکستری داستان چیزهای مهمی درباره مفاهیم زندگی بدانند؛ آن هم در دل روایتی مفصل که می تواند توأم با تغییر و تحول شخصیت های داستان باشد درست مثل زندگی واقعی. اگر فیلم سینمایی را یک داستان فرض کنیم، سریال می تواند یک رمان باشد. رمانی که آدم هایش هویت و شناسنامه رفتاری دارند و در موقعیت هایی گیر می کنند که شاید برای بسیاری از ما پیش بیاید، آن جاست که بر اساس رفتار شخصیت ها و نتایجی که می گیرند ما هم تجربه هایی کسب می کنیم که شاید به دست آور دندشان در مسیر زندگی، بسیار سخت و پر هزینه باشد. سریال های بسیاری هستند که با ساختار اپیزودیک (هر قسمت داستان مستقل از

سایر قسمت هاست) سیر زندگی چند شخصیت را در مقاطع زمانی بسیار طولانی نمایش می دهند. از نمونه های نوستالژیک چنین سریال هایی می توان به «قصه های جزیره»، «روای سبز» (آن شرلی)، «پزشک دهکده» و... اشاره کرد؛ سریال هایی بسیار طولانی که در آن ها تکاپوی زندگی دیده می شود و شخصیت ها همه در تلاش برای بهتر شدن، کمک به دیگران و... هستند. یکی از نمونه های بسیار قدیمی چنین سریال هایی «خانه کوچک» است که طی ۲۰۵ قسمت، طی ۹ سال از

۱۹۷۴ تا ۱۹۸۳ تولید و پخش شده و پیش از این هم، یک بار از تلویزیون کشورمان پخش شده بود. این سریال که این روزها حدود ۲۰ قسمتش هر شب ساعت ۲۲:۳۰ از شبکه نمایش پخش شده و پخشش ادامه هم دارد قصه یک خانواده روستایی است که در شهری کوچک زندگی می کنند. مادر خانواده معلم است اما به دلیل نگهداری از ۳ دختر شیرین و بازیگوش خانه دار شده؛ پدر خانواده یک

کشاورز ساده و مهربان است که برای رفاه خانواده اش دست به هر کاری می زند و معتقد است خوشبختی در تلاش برای بهتر زندگی کردن است نه چیزهایی که جزو طواهر زندگی محسوب می شود. شخصیت اصلی سریال دختر دوم خانواده است که در مواجهه با شخصیت های مختلف شهر، اعم از همکلاسی فقر فروش، معلم مهربان مدرسه، مسئول اداره پست و... شناخت بهتری از مفهوم زندگی پیدا می کند. سریال، داستان سراسرت و شیرینی دارد که در هر قسمت به سرانجام می رسد و از هر وقتی سریال را ببینید می توانید با آن ارتباط برقرار کنید. شخصیت ها گرچه به ظاهر در حدود یک قرن پیش و در جایی شبیه ناکجا آباد زندگی می کنند اما کاملاً برای ما ملموس هستند و انگار ما به ازایشان را در محیط کار، مدرسه، دانشگاه، بین همسایه ها و... زیاد دیده ایم. ویژگی جالب دیگر سریال این است که به دلیل طیف مختلفی از شخصیت ها، برای همه اعضای خانواده هم قابل فهم است و هم تماشایی البته گاهی پند و اندرزهای شخصیت ها و آن همه سیر و دانایی و تواضع شان مخاطب را متعجب می کند اما بار محتوایی سریال در عین سرگرم کننده بودنش بسیار بالاست و برخلاف برخی سریال های وطنی، در دام تکرار و کلیشه هم نمی افتد چون دیالوگ ها شبیه سخنرانی و موعظه نیست و درست در بزنگاه های حساسی که شخصیت نیاز به تصمیم گیری دارد و در خلال تقابل ها و تعاملات آدم ها بیان می شود. از آن جا که زمان پخش سریال همزمان با اخبار و سریال شبکه اول هر هست بد نیست بدانید روز بعد ساعت ۴:۳۰ و ۱۲:۳۰ تکرار خواهد شد. در ضمن ملیسا گیلبرت و مایکل لندن از بازیگران سرشناس این مجموعه هستند که هر دو برای بازی در این سریال نامزد دریافت جایزه گلدن گلاب شدند.

گفت وگو با یک تهیه کننده و برنامه ساز تلویزیونی

اگر لهجه نیازی را برطرف کند، خودش ماندگار خواهد شد

شاید رادیو و تلویزیون به عنوان حامی و عامل اصلی حفظ و گسترش زبان و لهجه های کشور شناخته شود. هرچند عده ای همین رادیو و تلویزیون را عامل اصلی تغییر و انحراف در زبان و گویش ها و حتی تمسخر و توهین به آنها می دانند. برای روشن شدن این موضوع از یک فیلمساز و برنامه ساز تلویزیونی صحبت کردیم؛ مهدی محمدی بدراباد، تهیه کننده و کارگردان صدا و سیما ی خراسان رضوی که تا کنون فیلم هایی از قبیل «تولد مبارک»، «الگاس»، «فرزانه»، «کویر» و جنگ های تلویزیونی بسیاری را ساخته است.

به نظر شما چرا در فیلم های سینمایی و سریال های تلویزیونی، بیشتر افرادی که لهجه مشهدی دارند، سبک سر، بی خیال و لوس هستند و شخصیتشان بیشتر جنبه کمدی و شوخی دارد؟

بخشی از این مسئله به این موضوع بر می گردد که ظرفیت های این لهجه برای شوخی بیشتر از سایر لهجه ها و زبان رسمی رایج است. هر چند گاهی این موضوع به افراط کشیده شده که اعتراض صاحبان این لهجه را به دنبال داشته است.

پس چرا از لهجه های دیگر در فیلم ها برای شخصیت های جدی و متشنخص استفاده می شود؟ این کم کاری و کوتاهی از کیاست؟

شاید این موضوع مربوط به ویژگی آن لهجه هاست که آهنگین ترند. ولی لهجه مشهدی با توجه به اصالت و نزدیکی اش به فارسی معیار، بیشتر به لهجه روستاییان باصفا نزدیک است. از این رو برای شخصیت های ساده دل و بانمک از این لهجه استفاده می شود. اگر دقت کنیم در بیشتر فیلم ها و سریال ها حتی برای ساخت لهجه های ابداعی و بدون مرجع نیز ناخواسته از اصطلاحات و گویش خراسانی استفاده می شود. برای همین به مرور لهجه مشهدی مترادف با این گونه شخصیت ها شده است.

به عنوان یک فعال فرهنگی و رسانه ای، چه راهکارهایی برای زنده نگه داشتن و ترویج لهجه خراسانی ارائه می کنید؟

از این نکته نباید غافل شویم که آن چه باعث حیات یک پدیده می شود نیاز مخاطب به آن و ارتباط مخاطب با آن پدیده است. به طور مثال وقتی شرایط زندگی به سمت شهرنشینی و تمرکز در شهرها سوق پیدا می کند، مرتفع سازی و آپارتمان نشینی خود به خود یک امر فراگیر و به عنوان یک نیاز مطرح می شود. به همین ترتیب اگر لهجه نیازی از مخاطب و شهروندان را برطرف نکند و در یک تعامل پویا با آن ها قرار نگیرد، خود به خود از بین خواهد رفت، حتی اگر فعالان فرهنگی و رسانه ها تمام تلاش خود را انجام دهند تا مانع این کار شوند. به نظر من باید مخاطب امروزی احساس کند که با لهجه اش می تواند نیازش را برطرف و با آن هویتش را کسب کند. ما به زور نمی توانیم لهجه را زنده نگه داریم، ولی می توانیم کاری کنیم که آن لهجه خوشایند به نظر برسد و نیاز مخاطب را برآورده کند. چون در نهایت مردم بنا به نیازشان از یک پدیده استقبال می کنند یا از آن روی گردان می شوند.

چرا لهجه ها در حال از بین رفتن است؟

من که لهجه ندارم!

علیرضا کاردار – اگر در گذشته دانشجویی به شهر دیگری می رفت یا سربازی در منطقه ای دور از روستای خودش خدمت می کرد و با لغات و لهجه های جدید آشنا می شد، اکنون هر کسی پای رایانه یا با گوشی تلفن همراهش می تواند زبان های غریبه و اصطلاحات شهرهای آن طرف کشور را یاد بگیرد. اما در این فضای گسترده تعامل روز به روز لهجه های محلی فراموش می شود و کلمات اصیل هر ناحیه در حال از بین رفتن است. به دنبال این امر، رسم الخط و آیین نگارش فارسی هم دستخوش تغییراتی جدی شده که کارشناسان را نگران کرده است. کار به جایی رسیده است که عده زیادی از مردم از لهجه های بومی خود خجالت می کشند و سعی می کنند لهجه خود را مخفی کنند و با لهجه یا بیخت نشینان صحبت کنند. با توجه به اهمیت این موضوع نگاهی انداختیم به لهجه و این که چرا برخی از مردم از لهجه خودشان خجالت می کشند.



طراح: آذین قاسمی

دلایل خجالت کشیدن جوانان از لهجهشان، از زبان یک کارشناس

عدم اعتماد به نفس فرهنگی و خودباوری

چرا خیلی از جوان های امروزی از صحبت کردن با لهجه اصیلشان خجالت می کشند، ولی وقتی یک فیلم یا سریال با لهجه ای خاص پخش می شود، اغلب دربرابر آن موضع می گیرند و اعتراض می کنند؟ این سوال را از آقای سید علیرضا جده دوست، کارشناس ارشد روانشناسی بالینی پرسیدیم، پاسخ ایشان را می خوانیم: برای این مورد می توان از واژه عدم اعتماد به نفس فرهنگی و قومی، و عدم خودباوری استفاده کرد؛ در واقع مردمان برخی شهرها از هویتشان خجل زده اند و نمی خواهند آن را بپذیرند. رسانه ای شدن این قبیل مسائل در دنیای مجازی می تواند از علت های مهم این قضیه باشد که در شکل عامیانه، هر قومیت با هر لهجه ای، به یک صفت خاص مسخره می شود. از این رو آن عده از مردم در صدد هستند تا لهجه شان به لهجه معیار تبدیل شود، همان لهجه تهرانی. همان تهرانی هایی که هیچ گاه در هیچ جوی مورد تمسخر قرار نمی گیرند و بهترین صفات همچون باهوش، زیرک، متشخص بودن و... برای آن ها استفاده می شود. اما هر قدر این خودباوری فرهنگی و قومی در هر فرهنگی بیشتر شود، واکنشش نسبت به تقلید لهجه اش هم کمتر است و حتی لبخند بر لبانش می نشیند. همان طور که سریال «در حاشیه» ساخته می شود و پایه و ستون خنده فیلم جواد رضویانی می شود که لهجه قمی دارد و هیچ فرد قمی دست به چنجال نمی زند، بلکه از این موضوع استقبال هم می کند. متأسفانه مشکل دیگر این است زمانی که می خواهند از لهجه ای در فیلمی استفاده کنند، از لهجه ای استفاده می شود که در فلان جوک به آن قوم اشاره و به خاطر فلان صفت که به آن قوم نسبت داده شده است، باعث تمسخر یک فرهنگ و قومیت می شود. یاد بگیریم یک اهوازی، یک اصفهانی، یک شیرازی، یک مشهدی و... با لهجه اصلی اش که اصالت قومی و فرهنگی خود را نشان می دهد، خوب است و هیچ گاه مذمت شدنی نیست. این باعث افتخار یک کشور است که این همه قومیت را در کنار هم به خوبی نگاه داشته است.

چرا استفاده از لهجه مشهدی کمرنگ شده است؟

سلسله نیز به همین لهجه سخن می گفته اند. لهجه مشهدی سرشار از واژه های اصیل و کهن فارسی است، به عبارتی چکیده ای از فارسی دری است که بسیاری از واژگان مهجور فارسی را می توان در گفتار عامیانه مشهدی ها پیدا کرد. به طوری که مشهدی های قدیمی خیلی راحت می توانستند اشعار شاهنامه را بفهمند، اما بسیاری از این عبارات را برای نسل امروز نامفهوم است. این زبان به قدری ریشه دار است که وقتی یک مشهدی بعد از سال ها زندگی در جمعی غیرمشهدی و تلاش برای تغییر لهجه اش، صحبت می کند، همه می پرسند «مشهدی هستی؟»!

ولی چه شده است که نسل جوان و حتی قدیمی تر ها از صحبت با لهجه مادری شان خجالت می کشند؟ مگر لهجه مشهدی و خراسانی با دیگر لهجه ها چه فرقی دارد که ساکنان بقیه شهرها با افتخار به لهجه شهرشان صحبت می کنند ولی گاهی خراسانی ها و مشهدی ها در یک جمع غریبه بلافاصله تغییر لهجه می دهند؟

شاید یک دلیل آن کوتاهی برنامه سازان صدا و سیما باشد. وقتی در سریالی شخصیتی مثلاً با لهجه اصفهانی صحبت می کند، از سطح پایین اجتماع به نظر نمی رسد، ولی وقتی شخصیتی به لهجه مشهدی حرف بزند، یا از طبقه پایین جامعه است، یا شوخ و شنگ است و ممکن است حتی شیرین عقل هم باشد! کمتر به یاد داریم که تا کنون در فیلم یا سریالی

به عقیده متخصصان و زبان شناسان، زبان مردم خراسان نزدیک ترین زبان به فارسی دری و زبان اصیل ایرانیان است. کارشناسان زیادی معتقدند لهجه ای که امروزه به لهجه مشهدی مشهور است، در اصل همان لهجه خراسان بزرگ است که از زمان اشکانیان به یادگار مانده است و آن



کاشت مو و ابروی طبیعی و قابل رشد
لیز و جراحی های صغیر پوست | تزریق ژل، بوتاکس، جربی
www.paydarclinic.com
مشهد، فلسطین ۲۱ | تلفن: ۰۲-۳۸۴۷۴۷۵۰

درمانگاه تخصصی پوست و مو پایدار